هفته نامۀ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



من رغبت را در میان صفوف طالبان احساس می کنم، اما تصمیم ما این است که اولاً تمام دستاوردهای گذشته را بررسی و در لابلای آن گام های بعدی را برداریم.

از فرموده های استاد شهید، بعد از انتخاب شان بحیث رئیس شورای عالی صلح، در یک کنفرانس خبری
(۲۲ میزان ۱۳۸۹)

دور ششم - سال یازدهم - شمارۀ چهارم ۲ ثور ۱۳۹۱ ۲۹ جمادی الاول ۱۴۳۳ - 21 April 2012

صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی حین انتخاب شان به عنوان رئیس شورای عالی صلح، طی صحبتی گفتند:

نگاه ما به صلح، به عنوان یک اصل دینی است

ص۳



رئیس جمهور:
همه با یک صدا برای تامین صلح دایمی در کشور در پهلوی صلاح الدین ربانی بایستید.

مارشال فهیم:
ما از این پروسه حمایت می کنیم حتی اگر به قیمت جان ما هم تمام شود.

استاد سیاف:
تامین صلح در کشور یک امر مهم است، برای عملی نمودن آن باید تمام ما کمرهای خویش را ببندیم.

استاد عطا محمد نور:
صلح از جمله نخستین نیازمندی های مهم افغانستان می باشد، زیرا این مسوولیت و رسالت افغانی، انسانی و اسلامی ماست.

فرمان رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در مورد تعیین رئیس شورای عالی صلح

۲۶ حمل ۱۳۹۱

ریاست جمهوری اسلامی افغانستان پس از آنکه شهید پروفیسور برهان الدین ربانی رییس اسبق شورای عالی صلح در راه ایجاد اخوت اسلامی، تامین صلح و امنیت در افغانستان عزیز به جاودانه گان پیوست، بعداز مشوره های چندین ماهه با بزرگان، خبره گان و شخصیت های صاحب نظر به منظور قطع جنگ، خونریزی و تقویت وحدت ملی و همچنان تسریع روند صلح در افغانستان، تعیین صلاح الدین ربانی که دارای تحصیلات عالی بوده و بحیث سفیر کبیر جمهوری اسلامی افغانستان در کشور ترکیه ایفای وظیفه می نماید و زحمات فراوانی را در هنگام جهاد علیه بیگانگان و مهاجرت، در همکاری با پدر شهیدش متحمل شده و طی جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱/۲۶ شورای عالی صلح، عضویت آن شورا را حاصل و به اتفاق آراء اعضای شورای عالی صلح، به سمت رئیس شورای عالی صلح نیز تایید گردیده، به حیث رئیس شورای عالی صلح منظور می نمایم.

از بارگاه ایزد منان موفقیت های مزید شان را در راستای هر چه سریعتر تامین صلح پایه دار در افغانستان عزیز استدعا دارم.



رئیس شورای عالی صلح با هیأت حزب اسلامی ملاقات نمود

صلاح الدین ربانی رئیس شواری عالی صلح و سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان، صبح روز دوشنبه در اقامتگاهش در کابل، با هیأت حزب اسلامی گلب الدین حکمتیار دیدار و گفتگو کرد. این در حالیست که از چند روز بدینسو هیأت حزب اسلامی به ریاست داکتر غیرت بهیر، داماد گلب الدین حکمتیار برای انجام گفتگو های صلح با دولت افغانستان و شورای عالی صلح کشور، وارد کابل شده اند. بر مبنای اظهارات دفتر رئیس شورای عالی صلح، در این دیدار، طرفین بر اهمیت صلح در کشور صحبت کرده اند صلاح الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح تأکید کرد که، صلح یک اصل اسلامی و حق مردم افغانستان است تا در فضای مسالمت آمیز زندگی کنند. سرپرست جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح کشور تأکید کرد که، ادامۀ جنگ و درگیری ها در کشور، بهانه ای برای تداوم حضور نیروهای خارجی در کشور است. وی افزود: با توجه به این مسأله، مصالحه در کشور سبب خواهد شد تا بهانۀ حضور نیروهای خارجی در کشور از بین رفته و زمینۀ خروج آن ها فراهم شود. در همین حال هیأت حزب اسلامی گلب الدین حکمتیار ابراز امیدواری کرد که رئیس جدید شورای عالی صلح در راستای تأمین صلح و ثبات در کشور گام های مؤثر بردارد.

شکست ترویزم در کابل

سلام بر قهرمانی از قهرمانان!



صلاح الدین ربانی به حیث رئیس شورای عالی صلح

نقش کلیدی برخی افراد جوان در تاریخ افغانستان و جهان

ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارۀ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

صلح نیاز مبرم مردم افغانستان است

کشور و مردمی که سالهاست در جنگ و ناامنی بسر می برند، صلح را نیاز مبرم و ضروری قلمداد می نمایند و از دولت و نهادهای صلحخواهانۀ کشور می طلبند تا صلح را که خداوند خیر خوانده است، در اولویت کاری شان قرار دهند و شهروندان کشور در امن و رفاه بسر برند. امنیت و آرامش است که مردم و کشور را بسوی پیشرفت و توسعه رهنمون می سازد. لازم و ضروریست تا در قضایا، تصمیم گیرندۀ اصلی خود افغان ها باشند. همانطوری که صلاح الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح در اولین روز قبولی این مسؤولیت بزرگ تأکید داشتند که، « پروسۀ صلح در کشور وقتی می تواند دستآورد داشته باشد که رهبری آن به دست افغان ها باشد، در غیر آن نمی توان اعتماد ملت را در پیشبرد این رسالت ملی و اسلامی به دست آورد.»

در راستای آوردن صلح و مذاکره با طالبان و مخالفین مسلح دولت، دولت افغانستان و برخی کشورهای خارجی هریک به سهم خودشان تلاش هایی را راه انداخته اند و تا ایجاد دفتر برای طالبان در دوحه مرکز قطر پیش رفتند اما تا هفتۀ پیش هم که شاهد عملیات های زنجیره ای انتحاری و انفجاری در شهر کابل و برخی ولایت بودیم، مردم ما طعم تلخ ناامنی را می چشند و ترس و دلهره بر اندام اکثریت باشندگان کشور مستولی گردیده است.

با تأسیس شورای عالی صلح که در رأس آن، رهبر جهاد و مقاومت و رهبر خِردمند جمعیت اسلامی افغانستان قرار داشت، تلاش هایی دلسوزانۀ را به منظور تأمین صلح، تحکیم ثبات در کشور ایفاء نمودند، به برخی ولایات سفرهایی کردند و با متنفذین قومی و مقامات محلی روی چگونگی آوردن صلح در کشور صحبت هایی داشتند، استاد شهید، شهید صلح، سفرها و دیدوادیدها با سران کشورهای منطقه و همسایه به خصوص پاکستان، سران و نمایندگان برخی کشورها داشتند تا آنها بتوانند با میانجیگری و نفوذ شان، در آوردن صلح و ثبات در کشورما کمک نمایند. ارتباطاتی با گروپ هایی از طالبان و گروه های مخالف مسلح دولت تأمین شده بود. این پروسه کم کم به سوی نضج و پختگی گام می گذاشت، اما دشمنان مردم افغانستان که این پیشرفت ها به مثابۀ خار چشم برای شان بود، با گماشتۀ انتحاری به نام پیک صلح، استاد را به شهادت رسانیدند که روح رهبر شهید را شاد می خواهیم و به دشمنان و جنگ طلبان نفرین می فرستیم.

بعد از شهادت شهید صلح، استاد برهان الدین ربانی، (۲۹ سنبلۀ ۱۳۹۰) شورای عالی صلح فاقد رهبری و پروسۀ صلح متوقف شد تا این که هفتۀ گذشته (شنبه ۲۶ حمل) صلاح الدین ربانی سرپرست رهبری جمعیت اسلامی به حیث رئیس شورای عالی صلح انتخاب گردید.

جمعیت اسلامی افغانستان در حالی که تعیین سرپرست این حزب را به حیث رئیس شورای عالی صلح که در حقیقت یک امتیاز نه بلکه، یک مسوولیت بزرگ در برابر وطن و باشندگان کشور است، تبریک می گوید، مؤفقیت شان را در راستای آوردن صلح و ختم جنگ در کشور، مسئلت می نماید.

امیدواری بر این است تا شورای عالی صلح با رهبری جوان و تحصیلکردۀ آن، بتواند با فضای اعتماد سازی و با تعریف مشخص دشمنان و با تلاش های خستگی ناپذیر، به بی باوری های مردم افغانستان در ارتباط صلح و مذاکره، نقطۀ پایان دهد و خداوند بخواهد صلح و امنیت پایدار در کشورما حاکم گردد.

طالبان و آغاز جنگ بهاری

وحید مژده

در طول ده ها سال جنگ در افغانستان، عادت بر این قرار گرفته که با فرارسیدن فصل بهار و پایان سرمای زمستان، جنگ ها از سر گرفته می شود. جنگجویان معمولاً طرح های جنگ در بهار را در زمستان می ریزند. کاهش غریو جنگ در زمستان معمولاً نشان از ضعف مخالفین مسلح تعبیر می شود و گفته می شود که آنها توان رزمی خود را از دست داده اند. این سخنان در زمستان گذشته نیز تکرار شد که طالبان ضعیف شده اند و دیگر توان رویاروئی با نیروهای افغان و خارجی را ندارند. این درحالی بود که طالبان عزم خود مبنی بر جنگ های بیشتر در سال جدید را پنهان نکرده بودند.

روز یکشنبۀ هفتۀ گذشته کابل و چند شهر دیگر افغانستان شاهد یک سلسله حملاتی بود که به صورت همزمان در ولایات کابل، لوگر، جلال آباد و پکتیا به راه افتاد. مجموعاً سی تن از انتحاری های مسلح در این عملیات شرکت داشتند که سیزده تن از آنان در سه منطقه از شهر کابل مستقر شدند و مدت هجده ساعت زندگی عادی در پایتخت را فلج ساختند.

براه انداختن این گونه جنگ ها از جانب طالبان به منظور رسیدن به هدف خاص نظامی نیست و قابل تصور هم نیست که هدف از عملیاتی که سیزده نفر در کابل براه انداختند، فتح پایتخت بوده باشد. تاکتیک های طالبان در چنین موارد بیشتر نمایش قدرت است. این گونه عملیات شباهت به نمایش در یک صحنۀ تئاتر دارد و موفقیت آن در جلب بیشتر تماشاچی است. به همین دلیل است که بعد از این عملیات، طالبان از انعکاس اخبار آن در سطح جهانی ابراز رضائیت کردند. رسانه های بین المللی از قدرت طالبان سخن گفتند و این برای طالبان کافی بود.

بصورت کلی می توان گفت طالبان می خواستند تا ادعا های نیروهای خارجی در سطح بین المللی را مبنی بر شکست شان بی اعتبار سازند و افکار عمومی در کشور های غربی را علیه زمامداران شان که همیشه از موفقیت در افغانستان سخن می گویند، برانگیزند. به خصوص در شرایطی که کمپاین انتخابات ریاست جمهوری در امریکا در راه است و طبق آخرین نظر سنجی ها، مخالفت مردم آن کشور با جنگ افغانستان در سال جاری بشکل چشمگیری افزایش یافته است. این حمله یک پیام روشن به مردم افغانستان نیز داشت. انتخاب دقیق نقاط حمله و رسانیدن اسلحه و مهمات به آنجاها کار ساده ای نبود. آنها به صورت قصدی جاهائی را به عنوان سنگر انتخاب کردند که از بیشترین فوکس امنیتی برخوردار بود تا ضعف نیروهای امنیتی داخلی و خارجی را به نمایش بگذارند و بگویند که ارادۀ آنان فرا تر از تدابیر قدرتمند ترین نیروهای استخباراتی جهان است.

بدون تردید حمله به این جاها نیازمند برنامه ریزی دقیق بود، وقتی هماهنگی این عملیات در چهار ولایت به صورت همزمان را نیز در نظر بگیریم، دقت برنامه ریزی عملیاتی را نشان می دهد. به همین دلیل عده ای به این باور اند که عملیات رزمی در چنین ابعاد از توان طالبان خارج است. شکی نباید داشت که طالبان در چنین عملیات از همیاری یاران خارجی برخوردار اند. اما ما بیاد داریم که در دوران جهاد، سازمان آی اس آی ماه ها تلاش می کرد تا مجاهدین را برای یک عملیات هماهنگ ترغیب نماید اما هیچگاه به صورت دقیق به این کار توفیق نمی یافت. یک دلیل این امر، تعدد تنظیم های جهادی و رقابت آنها با همدیگر بود که امکان عملیات هماهنگ و موثر را ناممکن ساخته بود در حالیکه مجاهدین از امکانات تسلیحاتی و مالی و حمایت مردمی خوبی برخوردار بودند.

بنابرین نباید همه امتیاز موفقیت طالبان را به حساب آی اس آی گذاشت اما متاسفانه در افغانستان عادت بر اینست که هرکاری را باید ناشی از برنامه های دشمنان خارجی دانست. باور بر اینست که خود افغان ها به تنهائی توان هیچ کاری را ندارند. افغان یک انسان بی اراده است که فقط به خواست خارجی ها خوب عمل می کند نه به ابتکار خود!

فرار زندانیان از زندان قندهار در سال گذشته بر بنیاد یک برنامۀ منظم صورت گرفت که ماه ها روی آن کار شده بود. وقتی این خبر منتشر شد، بعضی ها این سوال را مطرح کردند که چگونه ممکن است طالب مدرسه بتواند یک کیلومتر تونل حفر کند و مستقیما آنرا به جائی برساند که زندانیان طالب در آن محل زندانی اند؟ حتما این کار به کمک زندانبانان صورت گرفته است و حتی این فرار را امتیازی از جانب حکومت به طالبان دانستند اما وقتی مشخص شد که این کار از خارج زندان صورت گرفته و طالبان از (گوگل ارت) برای اندازه گیری دقیق استفاده کرده و با GPS مسیر تونل را مشخص ساخته اند، بار دیگر سخن از آی اس آی به میان آمد که این کار بدون کمک این سازمان ناممکن بوده است. بدون اینکه به این نکته توجه شود که سال ها جنگ می تواند صدها متخصص در امور جنگ را در میان جنگجویان داخلی به میان آورد. مگر در دوران جهاد علیه اتحاد شوروی همه کار ها به دست آی اس آی بود و ما فرماندهان نظامی با ابتکار در میان مجاهدین نداشتیم؟

این باور که هرکاری را آی اس آی انجام می دهد و پشت هر توطئه ای پاکستان قرار دارد موجب شده تا پاکستان به عنوان امتیاز گیرندۀ اصلی در این معرکه همچنان موقعیت خود را حفظ نماید. نه جنگ در افغانستان بدون کمک پاکستان به پیروزی می رسد و نه صلح بدون همکاری پاکستان ممکن است. در بحث های سیاسی هم قهرمان معرکه کسی است که فحش بیشتر به پاکستان بدهد.

ابومصعب الزرقاوی فرمانده مشهور القاعده در عراق، تا مدت ها نیروهای امریکایی را در این کشور درگیر جنگی فرسایشی و خونین ساخت و تلفات فراوانی بر آنها وارد آورد. در مورد اینکه زرقاوی کیست و در کجا آموزش نظامی دیده است، تبصره های فراوانی در رسانه های جهان غرب و حتی جهان عرب به نشر می رسید. گفته می شد که وی حتما آموزش دیدۀ یکی از دانشگاه های نظامی است و شاید در گذشته یک افسر نظامی بوده باشد. بعضی ها احتمال می دادند که وی شاید در یکی از اردوگاه های جنگجویان فلسطینی دورۀ آموزش نظامی دیده است. بعد از مدت ها وقتی شبکۀ تلویزیونی الجزیره موفق شد تا با وی مصاحبه انجام دهد، از او پرسید که تاکتیک های رزمی را که اینگونه برای نیروهای امریکایی و انگلیسی در عراق مشکل آفرین شده، در کجا آموخته است؟ زرقاوی با فروتنی در جواب گفت: من این تاکتیک ها را از افغان ها آموخته ام.

***

بعضی ها انتخاب صلاح الدین ربانی به عنوان رئیس شورای عالی صلح را با حملات طالبان رابطه می دهند و می گویند چون طالبان با این انتخاب مخالف بودند، این حملات را انجام دادند، درحالی که عملیاتی به این گستردگی و دقت، نیازمند زمان طولانی است و پیشبینی اینکه چنین عملیات با چه تحولات در حکومت همزمان خواهد بود، تقریبا ناممکن است.

سفر هیئت حزب اسلامی به کابل و مذاکرات آنها با حکومت و شورای عالی صلح نیز همزمان با این واقعه بود و عده ای به این باور بودند که این دو باهم در رابطه است در حالی که این سفر نیز تا یک هفته قبل از رسیدن هیأت به کابل قابل پیشبینی نبود.

اما این عملیات، ضعف نیروهای استخباراتی داخلی و دهها کشور خارجی را در افغانستان برملا ساخت. رئیس امنیت ملی افغانستان درحالی که اعتراف می کند از حملات طالبان اطلاع استخباراتی داشت، می گوید به دلیل کمبود منابع مالی و امکانات تخنیکی، نتوانستند از آن جلوگیری کنند.

صلاح الدین ربانی:

نگاه ما به صلح، به عنوان یک اصل دینی است

آنچه را که می خوانید، متن کامل سخنرانی صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح است، در اولین روز انتخاب شان، در حالی که حامد کرزی، معاونین ریاست جمهوری، رهبران جهادی و اعضای شورای عالی صلح حضور داشتند، ایراد فرمودند.

جلالتمآب محترم رئیس جمهور!

رهبران عالیقدر جهادی، محترم معاون صاحب اول رئیس جمهور، اعضای محترم شورای عالی صلح، بزرگان قوم، برادران و خواهران عزیز!

السلام

علیکم و رحمت الله و برکاته!

با درود فراوان به روان پاک شهدای افغانستان عزیز، به ویژه قهرمانان اخیر که به خاطر عزت و آزادی افغانستان و برای آوردن صلح و ثبات به این ملت رنجدیده، جان های شیرین شان را به جان آفرین تسلیم نمودند.

افغانستان، نزدیک به سه دهه جهاد و مقاومت، حدود ده سال پیش فصل تازهٔ را آغاز کرد. در ده سال گذشته فرصت ها و چالش های زیادی را در برابرمان داشتیم، از بخشی فرصت ها استفاده شد و بر بخشی از مشکلات فایق آمدیم، اما هنوز کشورمان چالش های را در برابرش دارد. یکی از این چالش ها حضور مخالفین مسلح دولت و تداوم جنگ در کشور مان است.

ما به این باوریم که تنها راه ممکن برای رسیدن به امنیت و ثبات در کشور، صلح است. نگاه ما به صلح به عنوان یک اصل دینی است. جهاد، که از فرایض دینی ما است، وسیلهٔ برای رسیدن به آزادی، ثبات، امنیت و در نهایت زندگی صلح آمیز می باشد.

خوشبختانه صلح همیشه به عنوان یک اصل زنده گی برای مردم افغانستان مطرح بوده است.

در دوران جهاد، که در برابر اشغال و تجاوز، ملت مجاهد افغانستان مبارزه می کرد، صلح به عنوان حالت اصلی برای مردم ما مطرح بود. همچنان در دوران مقاومت نیز ملت مجاهد ما بر اصل صلح و پایان بخشیدن به جنگ و خشونت تأکید داشت.

در شرایط فعلی نیز یکی از نیازمندی های مبرم جامعهٔ ما صلح است و مردم بیشتر از هرچیزی دیگر به صلح عادلانه و پایدار نیاز دارند. هرچند نگرانی هایی در این مورد ابراز می شود، اما وقتی صلح به عنوان یک پروسهٔ شفاف ملی و به عنوان یک استراتیژی ملی مطرح است، این نگرانی ها نیز مرفوع خواهد شد.

بیجا نخواهد بود به چند نکتهٔ کوتاه اشاره داشته باشم :

شورای عالی صلح برخاسته از ارادهٔ مردم صلح دوست کشور است و بر اساس فیصلهٔ نماینده گان مردم و بزرگان کشور در لویه جرگهٔ مشورتی صلح شکل گرفته است.

پروسهٔ صلح در کشور وقتی می تواند دستآورد داشته باشد که رهبری آن به دست افغان ها باشد، در غیر آن نمی توان اعتماد ملت را در پیشبرد این رسالت ملی و اسلامی به دست آورد.

یقیناً رسیدن به صلح، بدون رضایت و پشتیبانی مردم، شکننده و غیر پایدار خواهد بود که بر این اساس، مؤفقیت شورای عالی صلح به مساعی مشترک علمای دینی نهادهای دولتی، احزاب سیاسی، جامعهٔ مدنی، بزرگان قومی و شخصیت های متنفذ، وابسته می باشد. روی این اصل، شورای عالی صلح در راه جلب همکاری نهاد ها و مراجع یاد شده از هیچگونه تلاش دریغ نخواهد کرد.

با توجه به پیچیده گی و ابعاد منطقوی و بین المللی معضل افغانستان، باید علاوه نمود که روند صلح عادلانه و پایدار در کشور افزون به پشتیبانی و همکاری ملی محتاج همکاری و حمایت همه جانبهٔ بین المللی، منطقوی و به خصوص کشورهای همجوار می باشد. بدون شک دوام نا امنی، جنگ و خونریزی در افغانستان باعث نا آرامی و بی ثباتی منطقه و جهان می گردد.

ما باور داریم که اهمیت صلح را در افغانستان، کشور های منطقه به خوبی می دانند و امیدواریم که همکاران متعهد برای تأمین صلح در افغانستان باشند. رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان و شهید صلح با فداکردن جانش اهمیت صلح را بیشتر از پیش برای ما روشن ساخت و مردم افغاستان این را می دانند که صلح، به معنی بستن راه جنایت، جنگ و خشونت، و گشودن راه رفاه، سعادت و عدالت است.

وقت آن فرا رسیده است که مخالفین مسلح دولت به آرزوی مردم افغانستان که ختم جنگ و خشونت است پاسخ مثبت داده و به رنج و مصائب هموطنان شان پایان دهند. وضعیت سیاسی موجود در افغانستان زمینهٔ مبارزات مسالمت آمیز احزاب و جریان های سیاسی را فراهم کرده است و هر گروهی می تواند با استفاده از آزادی های موجود برای به دست آوردن اهداف مشروعش مبارزه کند. زیرا راه حل مشکل افغانستان از طریق جنگ ممکن نیست.

نتیجهٔ به موفقیت رسیدن پروسهٔ صلح، رفاه مردم افغانستان است و زمان آن رسیده است که مخالفین مسلح، با ترک خصومت و جنگ و پیوستن به صلح، ثابت نمایند که به رفاه مردم می اندیشند و از این بیشتر طرفدار رنج و بدبختی مردم افغانستان نیستند.

مطابق نص قرآن کریم، صلح خیر و جنگ ناپسند و مکروه خوانده شده است. صلح حالت مطلوب حیات انسانی و جنگ حالت اضطرار و مجبوریت در زندگی انسان ها است.

شهید صلح پروفیسور برهان الدین ربانی با چنین بینشی رهبری شورای عالی صلح را پذیرفتند و باب مذاکره و تفاهم را گشودند تا زمینهٔ تحقق صلح فراهم شود.

نبود تفاهم میان افغان ها زمینه ساز مداخلهٔ دیگران در امور کشور ما گردیده و دوام جنگ و نا امنی در کشور باعث حضور نیروهای خارجی در این منطقه شده است. تلاش در راه تأمین صلح در حقیقت گامی در راه کاهش نیازمندی به نیرو های خارجی در کشور است و راه را برای خروج نیروهای خارجی باز می کند.

می دانم که ریاست شورای عالی صلح، وظیفهٔ پر مسوولیتی است و رسیدن به صلح کار سادهٔ نیست. مشکلات ها و موانع زیادی در این مسیر وجود دارند، صلح وقت گیر است و نمی توان یک شبه به آن رسید.

اما حضور شخصیت های دانشمند و مؤثر در شورای عالی صلح، امید برای رسیدن به این هدف را بیشتر می کند و در مدتی که این مسؤولیت را دارم تلاش خواهم کرد که تمام ظرفیت های موجود در شورای عالی صلح، برای رسیدن به این خواست ملی به کار افتد و نتیجهٔ مطلوب به دست آید.

همکاری حکومت، پارلمان، رهبران عالیقدر جهادی، علمای دینی، بزرگان اقوام، متنفذین و در کُل مردم صلح دوست افغانستان، شورای عالی صلح را به مؤفقیت نزدیک تر می کند.

در اخیر از جلالتماب جناب رئیس جمهور و اعضای شورای عالی صلح، از اعتمادی که به من نمودند قلباً اظهار سپاس می نمایم و متواضعانه از بارگاه پروردگار توانا مسئلت می دارم تا در راه تالیف مجدد قلوب و تأمین صلح و مصالحهٔ ملی، همهٔ ما را توفیق دهد.

اقول قولی هذا، استغفر الله لی و لکم و لسائر المسلمین فاستغفروه إنه هوالغفور الرحیم

صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان بحیث رئیس شورای عالی صلح انتخاب گردید

صلاح الدین ربانی به اتفاق آراء در یک جلسهٔ علنی که در آن حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری، استاد عبدالرب رسول سیاف و استاد عطا محمد نور والی بلخ هم به طور خاص در آن حضور داشتند، از طرف اعضای شورای عالی صلح به حیث رئیس این شورا انتخاب گردید.

در جلسهٔ که قبل از ظهر روز شنبهٔ هفتهٔ گذشته، در ارگ ریاست جمهوری انجام شد، رئیس جمهور کشور و اعضای شورای عالی صلح و تلاش های شهید صلح استاد برهان الدین ربانی و خدمات ارزشمند شان در راه برقراری صلح در کشور به نکویی یاد آوری نمودند.

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان انتخاب صلاح الدین ربانی را به حیث رئیس شورای عالی صلح به وی تبریک گفته و آرزوی موفقیت وی را در وظایف محوله نمود. حامد کرزی انتخاب صلاح الدین ربانی را بحیث رئیس شورای عالی صلح در راه تحکیم بیشتر وحدت ملی در کشور و جلوگیری از مداخلات بیرونی در افغانستان یک کار مناسب دانست و تأکید کرد که باید همه با یک صدا برای تأمین صلح دایمی در کشور در پهلوی موصوف بایستند.

سپس صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح، از اعتماد رئیس جمهور و اعضای شورای عالی صلح جهت انتخاب اش در این سِمت، ابراز امتنان نمود که متن کامل سخنرانی شان را در همین صفحه می خوانید.

بعداً مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری صحبت نمود، در قسمتی از سخنرانی شان گفتند:«آرزوی تمام مردم افغانستان این است که در کشور ما صلح برقرار گردد و در فضای صلح و آرامش زندگی نمایند و مانند مردمان سایر ملل جهان زندگی خوشبخت و با سعادت داشته باشند.» معاون اول ریاست جمهوری در ادامه صحبت هایشان گفتند: «اگر طرف مقابل ده مرتبه صدای ما را نشوند ما برای آوردن صلح و آرامش و ختم جنگ در کشور، حاضر هستیم برای یازدهمین مرتبه بالای آنها صدا بکنیم و دست های خود را دراز بکنیم، زیرا این مسوولیت ماست. ما از این پروسه حمایت می کنیم حتی اگر به قیمت جان ما هم تمام شود.»

متعاقباً استاد عبدالرب رسول سیاف، صلح را امر خدا و خواست مردم خوانده گفت: «تامین صلح در کشور یک امر مهم است و برای عملی نمودن آن باید تمام ما کمرهای خویش را ببندیم.»

استاد سیاف گفت:«رئیس شورای عالی صلح زمانی مؤفق خواهد بود که به خداوند بزرگ توکل نماید و حمایت همکاران خویش را داشته باشد.»

در اخیر استاد عطا محمد نور والی بلخ ضمن صحبتی گفت:«صلح از جمله نخستین نیازمندی های مهم افغانستان می باشد، مردم این کشور بیشتر از سه دهه جنگ ها و مصایب را متقبل شده اند، این ملت توان تحمل بیشتر مصیبت ها را ندارد.»

والی بلخ افزود: «من منحیث یک فرزند این کشور به شما رئیس جمهور و رئیس و اعضای شورای عالی صلح اطمینان می دهم که به اندازهٔ توان خویش از پروسهٔ صلح پشتیبانی نموده و در این راه از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نخواهم ورزید، زیرا این مسوولیت و رسالت افغانی، انسانی و اسلامی ماست.»

محفل با دعائیهٔ خیر و فلاح افغانستان و به آرزوی رسیدن به صلح و ثبات دایمی در کشور پایان یافت.

شادروان استاد نجیب الله حسرت فاریابی

تحلیل برخی از غزلیات ابوالمعانی بیدل (رح)

دل ذره



زبس عام است در وحشتسرای دهر بیتابی
دل هـر ذره دارد در قفس چندین تپیدنها

تصویرعمومی:

بساط زمین از همان بدو پیدایی بنی آدم، بل که قبل از آن شا هد فتنه ها فساد ها و خونریزیهایی بوده است. قبل از خلقت بنی آدم، ملائک، ظهورفساد و خونریزی را در زمین پیش بینی نمودند و این پیش بینی زما نی متحقق گردید، که قا بیل. ها بیل را به قتل رسا نید. این فساد و خونریزیها در طلیعهٔ ایجاد بنی آدم آغاز گردید و تا حال ادامه دارد. حب ریا ست، مقام و جاه وجلال، نمرود وشداد و فراعنه های روزگار را بدان وا داشت، تا به اشارهٔ منجمی، تمام اطفال نوزاد را در قلمرو خویش از دم تیغ بگذرانند. آتیلا وهیتلر، چنگیز و استالین همه چهره های سیاه و کریه المنظر تأریخ اند و تصور آنها چون کابوسی وحشتناک، رنج آفرین است.

گذشته از این همه قهرمانان وحشت و بربریت بقیهٔ اولاد آدم نیز در روابط ذات البینی و معاملات خویش علی الاکثر چهرهٔ اصلی و واقعی خویش را با نقابی از فضیلت و صداقت میپوشا نند. اما فی الواقع جز فریب و شیادی و جز چاه کنی در راه یک دیگر فضیلت دیگری ندارند.

این همه وحشت و بربریت و این همه نفاق و نیرنگ و بالاخره این همه تظا هر و ریا کاری از حقایق انکار نا پذیریست، که در طول تاریخ در فطرت اولاد آدم حاکم بوده، ثمره ومظا هر شوم این خصلتها را همه خوانده وشنیده ودیده ایم. چنا نچه بعثت انبیاء علیهم السلام تلاشها و زحمات مستمر علما، مصلحان واندیشمندان همه برای این بوده، تا انسان را از این همه بدبختی نجات دهند و نگذارند که قا نون جنگل در بسیط زمین حکمفرما گردد. اما با وجود این همه تلاشها باز هم وحشت و بربریت، تظا هر ونیرنگ با همان قوت وقدرت خود همچنان با قیست وگویا در این وحشتسرای دهر، بیتابی، وحشت و رنج برای اولاد آدم امریست، که با فطرتش عجین گردیده و گذشته از انسان در سایر موجودات نیز تعمیم یا فته است و حتی دل ذره نیز از این بیتابی بر کنار نما نده است.

الفاظ و کلمات:

ترکیب وحشتسرای از همان ترکیبات نابی است که مخصوص قریحهٔ بیدل (رح) است.

این ترکیب که از قبیل ترکیب اضا فهٔ صفت به سوی موصوف است، دارای مزایای زیادی بوده. مثلاً مفاهیم توصیف، قفس و تپیدن نظر با رابطه یی که به هم دیگردارند، معنی مراد شا عر را به بهترین وجه و خیلی با شکوه ترسیم میکند. بناءً میتوان گفت که با ایراد این کلمات در این بیت صنعت مراعات النظیر، تپیدن به دل ذره مبالغهٔ زیبایی را افاده میکند. زیرا، معمولاً ذره خود سمبول تپش است. اما در این جا با نسبت دادن تپش با دل ذره علاوه بر این که عمق تپیدن به نمایش گذاشته شده است، ترکیب دل و تپیدن مفهوم دیگری را نیز افاده نموده است. زیرا تپیدن دل علامهٔ اضطراب نیز است.

مفهوم تفصیلی:

حضرت ابوالمعانی بیدل (رح) دنیا را به منزلهٔ وحشتسرا میداند که سراسر بیتابی و سرگردانی در آن نهفته است و حتی دل ذره در قفس سینهٔ هر ذره در اضطرب و تپش است.

از نگاه قواعد و اساسات شعری مفهوم مصراع دوم را به ساده گی حمل به مبالغهٔ ظریف و با شکوه مینماییم. اما این مفهوم فراتر از دنیای تخیلات شا عرانه است. زیرا مفهوم مصراع دوم با بزرگترین کشف بشر در قرن بیست موافق است. در حالی که در عصر بیدل همچو کشفی صورت نگرفته بود.

بیدل میگوید که دل هر ذره چندین تپش دارد و همه میدانیم که ذره در اصطلاح امروزی به نام «اتم» یاد میشود واتم عبارت از کوچکترین جزو یک جسم بسیط یا یک عنصر است، که هر گز به چشم دیده نمشود. حال بینیم که در دل اتم یا به اصطلاح«ذره» چگونه چندین تپید نها موجود است. دانشمندان ثابت ساخته اند که اتم همه عنا صر از مقداری الکتریستهٔ مثبت به نام پروتون ومقداری الکتریستهٔ منفی به نام الکترون ساخته شده اند.

پروتون عبارت از قسمت مرکزی اتم است که با نوترون تشکیل هسته را میدهد.

اما الکترون عبارت از هر یک ذره هایی که در اطراف هستهٔ مرکزی اتم به شکل چند دایرهٔ مختلف قرار دارند و حا وی کمترین بار الکتریکی منفی اند وتقریباً با سرعت برابر ۴۸ هزار کیلو متر در ثانیه در مدار های معینی چون ستاره گان منظومهٔ شمسی که به گرد آفتاب گردش میکنند، به دور هستهٔ مرکزی خویش میچرخند.

بناءً این بیت عمق تحلیل بیدل (رح) را از کاینات نشان میدهد ومقام بلند وی را در درک حقایق وکیفیت الهامش را از آفاق و انفس به نمایش می گذارد.

خلاصهٔ مفهوم:

از بس که اضطراب و بیتایی در این دنیا که به منزلهٔ وحشتسراست، فراگیر و عام شده است، در تمام کاینات میتوان این پیشا نی را مشا هده کرد. چنا نچه دل ذره که کوچکترین جزو یک جسم یا یک عنصر است، دارای چندین تپش و اضطرب است.

❋

جلوه های نوروز و بهار در اشعار شاعران متقدمین

•عطار نیشاپوری

عطار شاعر عارف و نامداری است که در قرن ششم در نیشاپور می زیسته و بیشتر اشعارش حال و هوای عرفانی دارد و شاعران عارف بعد از وی از اشعار عطار الهام گرفته اند.

جهان از باد نوروزی جوان شد
زهی زیبا که این ساعت جهان شد
شمال صبحدم مشکین نفس گشت
صبای گرم رو عنبر فشان شد
تو گویی آب خضر و آب کوثر
ز هر سوی چمن جویی روان شد

•حافظ شیرازی

حافظ شاعر عارف و رندی است که اشعارش در نهایت لطافت، همراه با ایجاز و موسیقی کلام و فصاحت تمام است. از غزلیات شیوا، بی زنگار و جان نواز حافظ خوش سخن در بارهٔ نسیم باد نوروزی، گلزار و صحرا و چمن و غنچه و گل، چند بیت در اینجا نقل می گردد:

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی
از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی
ز جام گل دگر بلبل چنان مست می لعلست
که زد بر چرخ فیروزه صفیر تخت فیروزی
بصحرا رو که از دامن غبار غم بیفشانی
بگلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی
سخن در پرده می گویم چو گل از غنچه بیرون آی
که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی
ساقیا سایهٔ ابرست و بهار و لب جوی ***
من نگویم چه کن ار اهل دلی خود بگوی
دوستان وقت گل آن به که به عشرت کوشیم
سخن اهل دلست این و بجان بنیوشیم
افسر سلطان گل پیدا شد از طرف چمن
مقدمش یارب مبارک باد بر سرو چمن

•سعدی

به راستی که استاد سخن سعدی است. راز شورانگیزی سخن سعدی که با گذشتن بیش از هفتصد سال، هنوز هم پایدار مانده است و کلام اثربخش وی نمودار کمال شیوائی و رسائی زبان فارسی شمرده می شود. طبع لطیف و ذوق بی مانند و استعداد شگرف سعدی که بخشش ایزدی است، نیک پرورش یافت و به کمال نزدیک شد. بی گمان آب و هوای فرح بخش شیراز و صحراهای سبز و خرم و دشت های پرگل و لاله و مرغان خوشنوا نیز در الهام گرفتن وی از جمال طبیعت، تاثیر فراوان داشته است.

درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند
جهان جوان شد و یاران بعیش بنشستند
بساط سبزه لگدکوب شد به پای نشاط
ز بس که عارف و عامی برقص برجستند
برآمد باد صبح و بوی نوروز ***
بکام دوستان و بخت پیروز
بهاری خُرمست ای گل کجائی
که بینی بلبلان را ناله و سوز ***
بهار آمد که هر ساعت رود خاطر به بستانی
بغلغل در سماع آیند هر مرغی بدستانی
بوی گل و بانگ مرغ برخاست ***
هنگام نشاط و روز صحراست
فراش خزان ورق بیفشاند
نقاش صبا چمن بیاراست
وقتی دل سودائی میرفت ببستانها
بیخویشتنم کردی، بوی گل و ریحانها
گه نعره زدی بلبل، گه جامه دریدی گل
با یاد تو افتادم، از یاد برفت آنها

•مولوی

مولوی معتقد است که غم و شادی دو پدیده طبیعی روح بشر است و هرگز نمی توان آن را از قاموس زندگی بشر حذف کرد. بهر حال غم وشادی، هر دو برای رشد و کمال شخصیت آدمی لازم است. مولوی با الحام از وضعیت بهار و سرسبزی گلستان و روئیدن گل ها و برآمدن شکوفه ها، به این نکته اشاره دارد:

آتش و آبی بباید میوه را
واجب آید ابر و برق این شیوه را
تا نباشد برق دل و ابر دو چشم
کی نشیند آتش تهدید و خشم؟
کی بروید سبزهٔ ذوق وصال
کی بجوشد چشمه ها زاب زلال؟
کی گلستان، راز گوید با چمن
کی بنفشه عهد بندد با یاسمن
کی چناری کف گشاید در دعا
کی شکوفه سرفشاند در هوا؟
کی شکوفه آستین پر نثار
برفشاند گردد ایام بهار؟
کی ز درد لاله را رخ همچو خون
کی گل از کیسه برآرد زر برون
کی بیاید بلبل و گل بو کند
کی چو طالب، فاخته کوکو کند؟

*

منطق ضرورت صلح

پوهنمل سید عنایت الله شاداب



صلح در بینش ادیان سماوی و منطق انسانی امری است مورد تأکید و پذیرفته شده و روشی است برای حل منازعات جوامع بشری در سطوح مختلف از خانواده گرفته تا جوامع بزرگ انسانی.

بر بنیاد همین اصل است که صلح در آموزه های اسلامی از جایگاه ویژه برخوردار بوده و برقراری صلح به حیث یک دستور حل منازعات در سطوح مختلف، هنگام درگیری میان جناح ها، مورد تأکید قرار گرفته، آنجا که قرآن فرموده است: «اگر دو طایفهٔ از مومنان درگیر جنگ بودند، شما در میان آنان صلح را بر قرار سازید...» همان گونه به صلح در نصوص قرآنی عنوان خیر داده شده و فرموده است: «والصلح خیر».

بدون شک تأمین صلح و برقراری آن در جوامع انسانی زمینه ساز توسعه و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی بوده و منطق ضرورت آن هم در همین امر نهفته است که فلسفهٔ وجودی و آفرینش انسان را تشکیل می دهد.

افزون بر آن، اگر در یک جامعه صلح حاکم نباشد زمینه های پیدایش بحران در اشکال مختلف آن فراهم گردیده و پیامد آن هم این خواهد بود که از یکطرف استقلال و حاکمیت کشورها مورد سؤال قرار گیرد و از جانب دیگر هم توسعهٔ اقتصادی و توسعهٔ فرهنگی و.... به چالش های مواجه می شوند.

تأمین صلح و پیام آن بعد از تحول جدید در تاریخ معاصر کشور ما، در محراق توجه همه نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... قرار داشته و از اهمیت ویژه برخوردار می باشد. اما در این مدتی که از آغاز تحول جدید تا کنون سپری گردیده با درد و افسوس باید اظهار داشت که، حرف صلح و کار در راستای تأمین آن بیشتر در سطح نمایشی بوده و حتا کسانی هم که حرف صادقانه و گام مخلصانه در این راه گفته و یا برداشته اند، حرف ها و گام های آن ها نتوانسته است توقعات توده های مظلوم و تشنهٔ صلح را برآورده سازد.

در میان حرکت های صلح جویانه ای که بعد از تحول جدید براه انداخته شدند یگانه حرکتی که اکثریت ملت افغانستان بدان چشم امید دوخته بود، حرکت شورای عالی صلح بود که به ر هبری شهید صلح استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت به راه افتید این حرکت صلح که رهبری آن را شخصیت مفکر و اندیشور و مرد خبیر و آگاه از سیاست های منطقه ای و جهانی در ارتباط به افغانستان به عهده داشت، موجب شد که بارقه های امید به آوردن صلح و تأمین امنیت در دل های فرزندان این سرزمین به جلوه نشیند، شخصی که از یکطرف مخالفان صلح و امنیت را خلع شعار نموده و از جانب دیگر، باب مذاکره با کشورهای پشتیبان از حرکت مخالفان را باز کرده و با کشورهای منطقه و کشورهای ذی نفع در افغانستان صفحهٔ دیالوگ واقعگرایانه را کشود و زمینهٔ آن را فراهم کرد که کشورهای را در سطح منطقه و جهان به این امر قانع سازد که باید مشترکاً در تأمین صلح در این کشور کار نمایند.

این نقش آفرینی رهبری شورای عالی صلح در زمینهٔ تأمین صلح، دشمنان صلح را برآن داشت که طرح حذف فزیکی شخصیتی را برنامه ریزی کنند که نه تنها در سطح افغانستان حرف و برنامه داشت که جهان اسلام به ویژه نهضت های اسلامی برنامه او را در محراق توجهٔ خویش قرار داده بودند.

اکنون که افغانستان از همچو یک رهبر صلحخواه محروم گردیده، پر کردن این خلا کاری است بس دشوار. و از آنجا که برنامه ها و حرکت های انسانی، چون حرکت تأمین صلح نباید به خاموشی گراید، و حکم ضرورت هم این است که باید راه های که یک کشور را به سوی امنیت و ثبات می رساند تعقیب شود، انتخاب صلاح الدین ربانی پسر ارشد شهید صلح، به حیث رئیس شورای عالی صلح توسط مقام ریاست جمهوری (آقای کرزی) و تأیید برخی شخصیت ها و رهبران جهادی کاری است بجا، ولی موفقیت این پروسه وقتی می تواند تحقق یابد که از پشتیبانی دولت و سائر نهادهای ملی برخوردار بوده و در سطح منطقه باید کشورهای همسایه مخلصانه از این حرکت پشتیبانی نمایند.

بهار سبز یا بهار خونین

نذرالله عنایت



از چندین سال بدینسو با آغاز فصل بهار، شروع سال نوی خورشیدی آمار خشونت ها در کشور افزایش می یابد. اگر از یک طرف مردم افغانستان بهار را با امیدهای تازه آغاز می نمایند، اما طالبان و گروه های دهشت آفرین بهار را فصل جنگ، خشونت و انتحار می خوانند. این گروه ها با آغاز فصل گرما دندان های خود را تیز تر می کنند و کمر به کشتن همنوعان خود می بندند و مانند حیوانات خون سرد دو باره زنده شده در بهاری که طبیعتش سبز است و سراسر نوید برای زندگیست، دست به عملیات های خونین می زنند. امسال نیز دامن بهار را خونین ساختند و به جای هدیهٔ گل، قاصدک هایی انتحاری فرستاندند.

شمارش روزانه می رساند که طی یک ماه نخست سال ۱۳۹۱ خورشیدی ده ها حمله از سوی آنان سازماندهی شده و تعدادی از خانواده ها را در سراسر کشور در سوگ عزیزان شان نشاندند.

حملات پیهم و گسترده یی که در پایتخت کشور و برخی از ولایات شرقی در ۲۷ حمل صورت گرفت به شمول ۳۴ فرد انتحاری ۴ فرد ملکی و ۸ تن از منسوبان نیروهایی امنیتی کشور جان باختند. مقامات امنیتی کشور آمار تلفات ناشی از این حملات را که به طور همزمان، به شمول کابل در ولایت های ننگرهار، پکتیا، و لوگر رخ داد، طی کنفرانس مطبوعاتی منتشر نمودند.

بسم الله محمدی، وزیر داخله گفت که در این حملات، در سراسر کشور ۵۱ نفر شهید و ۶۵ نفر زخمی شده اند که بیست و پنج نفر آنان غیرنظامیان و بقیه نیروهای امنیتی هستند.

در حادثهٔ اخیر، درگیری ها در ولایات لوگر، پکتیا و ننگرهار، زودتر پایان یافت، اما در کابل نبرد ۱۸ ساعت طول کشید و شورشیان در برابر نیروهای امنیتی مقاومت کردند. مقامات در وزارت داخله گفته اند که، به دلیل مسکونی بودن ساحهٔ عملیات و حفظ جان شهروندان ملکی بی نهایت جانب احتیاط را در برخورد با شورشیان در نظر گرفته اند.

به دنبال این رخداد از عملکرد و کارایی نیروهای امنیتی کشور به شمول رئیس جمهور، مقامات خارجی نیز قدردانی نموده آن را ستودند. اما در ضمن حامد کرزی بر نارسایی ها و ضعف عملکرد استخباراتی انتقاد نموده و آن را عامل راه اندازی این گونه عملیات ها از سوی دشمن در قلب کابل عنوان نمود.

همزمان با این حملات، نیروهای امنیتی از برهم زدن برنامهٔ ترور به جان محمد کریم خلیلی، معاون رئیس جمهوری کشور خبر دادند.

به گفتهٔ مسؤولان امنیتی، گروهی از شورشیان را که برای اجرای این عملیات، جلیقه های انتحاری به تن داشتند، از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

عملیات های هماهنگ و هم زمان طالبان در چندین نقاط شهر کابل و دیگر ولایات، بزرگترین حملهٔ گروهی و سازمان یافته، ظرف بیش از شش ماه اخیر بوده است.

پیش از عملیات چند ضلعی رخدادهای دیگری در برخی از نقاط افغانستان صورت گرفته است که نتایج خونبار را در پی داشت. در یک حمله انتحاری در ولایت هرات دست کم ۲۶ نفر کشته و زخمی شدند. این حمله در ولسوالی گذره، زمانی صورت گرفت که تعداد زیادی از مردم برای کارهای روزمره اداری، در عقب ساختمان ولسوالی صف بسته بودند..

به گفتهٔ مقامات امنیتی هرات شش نفر از کشته شدگان افراد غیرنظامی و سه نفر دیگر ماموران امنیتی بودند. چندی پیش یک حمله کنندهٔ انتحاری یک فرماندهٔ محلی را در ولسوالی کشم ولایت بدخشان از پا درآورد. به گفتهٔ عبدالصبور نصرتی فرماندهٔ امنیته ولایت بدخشان در اثر این حملهٔ انتحاری در ولسوالی کشم نازکمیر یک فرماندهٔ پیشین جهادی و دو محافظ او کشته و ۱۶ تن دیگر زخمی شده اند.

فرماندهٔ پولیس بدخشان در تماس با رسانه ها گفته بود که این فرمانده جهادی در سال های گذشته، نقشه برجسته یی را در سرکوبی نیروهای منسوب به طالبان داشته است. ولایت بدخشان درگذشته ها یکی از ولایات امن در شمال شرق کشور محسوب می گردید، اما طی دوسال گذشته از این ولایت خبرهای ناخوشایندی در رسانه ها پخش می شود.

در گیری میان نیروهای دولتی و شورشیان طرفدار طالب که اکثریت شان از مرز های پاکستان وارد این ولایت سرحدی می شوند، از چندی بدینسو امنیت را در آن جا به چالش کشیده است. ولسوالی وردوج که فاصلهٔ زیاد به ایالات سرحدی چترال پاکستان ندارد، از نا امن ترین بخشداری در این ولایت محسوب می گردد.

طی ماه گذشته در یک حادثهٔ دیگر در ولایت فراه در غرب افغانستان، هشت پولیس در یک حمله طالبان کشته شده اند. محمد غوث ملیار، از مقام های امنیتی ولایت فراه گفته است که گروهی از طالبان مسلح بر یک پاسگاه امنیتی یورش برده و هشت پولیس محلی را کشته اند. به گفته آقای ملیار، طالبان دو پولیس محلی را نیز با خود برده اند و تا هنوز از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست.

در همین حال یک فرماندهٔ محلی طالبان در صحبت با رسانه ها گفته است که، پس از این، حمله به نیروهای امنیتی داخلی از اولویت های این گروه به حساب می رود. یک حمله کنندهٔ انتحاری در ولایت فاریاب نیز چندی پیش، بیش از ده نفر را به شمول غیرنظامیان و نیروهای امنیتی کشت. به گفتهٔ ص۷

سیمینار محمود طرزی

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل



سیمیناری به مناسبت یکصدوپنجاهمین سالروز تولد محمود طرزی و یکصد سال پس از نشریه سراج الاخبار در شهر کابل به روز های ۲۹ــــ۳۰ حمل برگزار گردید. دریـن سیمینار جوانب مختلف حیات، زندگی و جریان تجدد خواهی آن عصر به بررسی قرار گرفته شد، و بر موانع و چالش های این تجدد خواهی بحث های صورت گرفت و جریان تجدد خواهی در افغانستان، پس از یکصد سال به بررسی گرفته شد. محمود طرزی در سال ۱۸۶۵ میلادی در غزنی تولد گردید و در ۲۲ نومبر ۱۹۳۳ در استانبول فوت و در آنجا مدفون گردید.

محمود طرزی پسر سردار غلام محمد طرزی و از نوادهٔ سردار رحمدل برادر زادهٔ امیر دوست محمد می باشد. وقتی محمود طرزی ۱۴ سال عمر داشت، یکجا با پدرش سردار غلام محمد طرزی بنا بر اختلافی که بین امیرعبدالرحمن و این خانواده وجود داشت، از راه ترکیه به هند رفت. محمود طرزی در مدت سه سال و شش ماه اقامت در هند، علوم ریاضی، فلسفه و اردو را فرا گرفت و بعد از آن به بغداد رفت و دوباره به استانبول برگشت و در شام (سوریه امروزی) مسکن گزین شد. موصوف عربی و ترکی را فرا گرفت و نخستین اندیشه های آزادی خواهی را در نهضت های ضد استعماری در سوریه به دست آورد.

محمود طرزی وقتی در سال ۱۹۰۳ میلادی برای نخستین بار به افغانستان آمد، مورد استقبال شاه حبیب الله قرار گرفت. دریـن وقت شاه حبیب الله تازه به معارف عصری آغاز، و مکتب حبیبیه را تاسیس کرده بود که در آن مضامین عصری تدریس می گردید. با آمدن محمود طرزی به افغانستان جنبش های ملی و سیاسی اوج گرفت و جریان مشروطیت را در کشور با تاثیر از جریان های ترکیه عثمانی ادامه داد. فعالیت های سیاسی و اجتماعی محمود طرزی با نشر جریدهٔ سراج الاخبار گره خورده است و این جریده در تاریخ آزادی و استقلال خواهی افغانستان نقش اساسی دارد. این جریده در تربیهٔ نسل جوان و جریان تجدد خواهی در کشور را قوام بخشید، سراج الاخبار در مدت ۷ سال و چند ماه از ۱۲۹۰ مطابق ۱۹۱۸ میلادی که بعد جای خود را به اخبار جدید (امان افغان) خالی کرد. باید گفت که جریده سراج الاخبار نخستین جریدهٔ مصور در کشور بود و این نشریه در کشور های هند بریتانوی، ترکیه و کشور های آسیای میانه خوانندگان زیاد داشته است و از همین سبب در برابر این نشریه مقاومت های زیاد از داخل و هند بریتانوی وجود داشته است.

محمود طرزی به طور رسمی در سال ۱۹۰۵ میلادی به فعالیت های سیاسی و ادبی خود در افغانستان آغاز کرد. وقتی حبیب الله در سال ۱۹۰۵ نشر جریده یی را به نام سراج الاخبار به مدیریت مولوی عبدالرووف قندهاری مدرس مدرسهٔ شاهی اجازه داد؛ اما این نشریه بیشتر از یک ماه انتشار نیافت و دوباره توقف نمود. تا اینکه نشر مجدد سراج الاخبار از ۱۹۱۱ م ـــ ۱۹۱۹ م از سر گرفته شد، این نشریه اکثریت بزرگ آزادی خوا هان را در خود جمع کرد و به مرکز علنی آزادی خواهان و اصلاح طلبان تبدیل گردید. در این نشریه به ماهیت استعمار پرداخته می شد و مطالب سیاسی، اجتماعی، فلسفی و دینی و ادبی در این نشریه به نشر سپرده می شد.

در سال ۱۹۱۸ میلادی فضای سیاسی کشور دشوار گردیده بود. محمود طرزی چاپ و نشر سراج الاخبار را قطع نمود اما بعد از جلوس شاه امان الله در فبروری ۱۹۱۹ میلادی محمود طرزی مکلف به اجرای وظایف سیاسی گردید. و در سال ۱۹۱۹ میلادی نخستین وزیر خارجه پس از استقلال شد. و رئیس هیات صلح افغانی در منصوری و کابل گردید و روابط کشور تازه به استقلال رسیده با کشورهای روسیهٔ شوروی، فرانسه، ایتالیا، سویس و دیگر کشورهای اروپایی را برقرار کرد.

محمود طرزی نظر به بعضی اختلافات میان دربار و اندیشه های وی، در سال ۱۹۲۲ میلادی بحیث سفیر افغانستان در فرانسه موظف گردید. و در نتیجهٔ فعالیت های وی لیسهٔ استقلال در کابل شروع به فعالیت نمود و تعدادی از شاگردان به فرانسه فرستاده شدند. محمود طرزی در حدود ۵۰۰ مقاله و ۲۵ کتاب نوشته است. او نه تنها نخستین روزنامه نگار به شیوهٔ مدرن آن است و نام وی را به مثابهٔ بنیانگذار ژورنالیزم در افغانستان می خوانند. محمود طرزی آثاری چون: سراج الاخبار، سراج الاطفال، سیاحت، علم و اسلامیت، آیا چی باید کرد؟، ادب در فن، جغرافیای منظوم، معلم حکمت، فلسفهٔ وطن، از هر دهن سخنی، حی علی الفلاح، حی علی الصلاح، مختصر جغرافیای عمومی و غیره داشته است.

محمود طرزی طرز جریان ترجمه را در افغانستان نیز اشراف داشت و ناول های ژول دون، سیاحت در دور زمین، سیاحت در جو هوا، سیاحت در زیر بحر، جزیرهٔ پنهان، جنگ روس و چاپان، فاجعهٔ پاریس و غیره را ترجمه نمود.

محمود طرزی در شماره های مختلف سراج الاخبار به دنبال آگاهی مردم بود؛ طوری که می نویسد (ما تسخیر کننده گان آسیا را غاصبین و غارتگران می دانیم، اروپائیان تنها به اروپا قناعت نه کرده، دست طمع به امریکا، استرالیا و افریقا دراز کردند، به آن هم قناعت نه کردند، آرزو دارند دولت های بزرگ آسیایی را نیز بسازند.)

محمود طرزی به جوانان هشدار می داد و خواب غفلت را برای جوانان ننگ و عار می دانست. باید گفت که محمود طرزی فعالیت های خویش را از طریق جریدهٔ سراج الاخبار آغاز نمود و این جریده نقش محوری در جنبش مشروطیت در کشور داشت و جریان مشروطیت را رهبری و اشراف می نمود؛ زیرا اکثریت مطلق جریان مشروطیه خواهی و اصلاح طلبی پیرامون این جریده جمع شده بودند. محمود طرزی از بنیانگذاران نصاب تعلیمی زبان پشتو در معارف کشور است و این موضوع از جمله مباهات برخی ها در کشور می باشد و او از زبان گفتگو و زبان نویسندگی یاد می کند که بین این دو فاصله زیادی وجود دارد که نتیجه آن بی سوادی و جهل می باشد.

محمود طرزی استقلال سیاسی، پیشرفت، تعلیم و تربیهٔ سراسری، انتقال علوم به زبان ملی را در سر لوحهٔ کار خویش قرار داده بود. محمود طرزی از پیروان سید جمال الدین افغانی است که بر اتحاد اسلام و دنیای شرق توجه دارد. او می گوید: هفت ماه صحبت با سید جمال الدین افغانی برابر است با هفتاد سال حیات علمی وی، محمود طرزی از جمله اصلاح طلبان و تجدد خواهان است که در دربار نفوذ داشت و می خواست از طریق دربار این جریان را رهبری نماید. همان طوری که محمود طرزی یکصد سال قبل به آن فکر می نمود، هم اکنون در کشور ما لاینحل باقی مانده است و بعد از یکصد سال افغانستان نخستین کشوری است که مکاتب در آن از سوی مخالفان اصلاحات و تجددخواهی سوختانده می شود و در برابری برخی از آزادی های مدنی مخالفت نشان داده می شود.

به سخن دیگر این کشور بعد از یکصد سال باز به همان نقطهٔ آغازین خود باز گشته است و کشور ما در حالت آشفتگی قرار دارد. محمود طرزی و سائرین می خواستند بستر داخلی و فرصت های خارجی را هماهنگ سازند، او در حقیقت در دو جبهه می جنگید اصلاحات در داخل کشور و به دست آوردن فرصت های خارجی در جهت علم و تکنالوجی؛ طوری که او در شمارهٔ پنجم ۱۴ سنبلهٔ ۱۲۹۴ ه ش تحت عنوان (مقاله افتتاحیه) سال پنجم به چاپ رسیده است، در مورد به تفصیل دیدگاه خود را مطرح نموده است.



تروریزم در کابل

سلام بر قهرمانی از قهرمانان

* همنوا

سلام بر تو ای مدافع قهرمان!

ای افغان!

امروز نام تو و عکس تو در انترنیت، چشم همگان را بر تو دوخته است!

ای مدافع مجروح!

ای مجروح، در انتظار سنگر!

با زخم های کنار گلویت، شتابان به سوی سنگر می روی.

می روی تا از کشورت دفاعی نمایی و سر آشوبگران را بکوبی.

نمیدانم، نامت چیست؟

نمیدانم که آیا در فهرست تقدیر شدگان خواهی بود؟

آیا ترا هم ترفیع می دهند و از رشادت و دلیری تو با افتخار یاد می کنند؟

ای قهر مان افغان!

ای مجاهد دلیر و سرکوبگر دهشت افگنان که از امنیت و آسایش کشور و هموطنانت دفاع می کنی!

شما قهرمانان دلیر کشور اید که با نثار خون خویش، کشور آزاده را نگهمیدارید.

شما قهرمانان تاریخی کشور مردخیز افغان ها اید...

شما راهیان و پیروان قهرمان ملی افغانستان، که از خاک و مردم کشور دفاع می کنید...

سلام بر شما!

سلام بر قهرماتی های شما که اوج عزت و غیرت افغان ها را به نمایش گذاشتید.. شما که با ضعف گزارش های امنیتی، مردانه وار به جنگ تروریست ها رفتید...

شما که روحیهٔ بلند مردم را بلندتر ساختید و به تروریست ها نشان دادید که از امنیت و سلامت وطن، دفاع می کنید...

تجارب تکراری دفاع از وطن، توسط شما رادمردان دلاور، تکرار و بازهم تکرار می شود....

پس سلام بر شما، ای دلیر مردان وطنخواه و قهرمان!

این دست پرتوان و روحیهٔ عالی است که همه طراحان توطئه و کشتار و مردمکشی را با شکست و آبروریزی تمام رو برو می سازد...

پس سلام بر شما ای فرزندان ایثارگر!

سلام بر شما ای قهرمانان ماندگار تاریخ این سرزمین!

ای سربازان نامدار کشور که بی باکانه با تروریست ها و دهشت افگن ها مبارزه و مقابله می کنید...

این شما و توان نیرومند شما جوانان است که آدمکشان بی فرهنگ و مزدور بیگانه را در ساعات اندک، محو و نابود می سازد....

ای مدافعین بزرگ و نامدار وطن!

سلام برشما، ای عزیزان دلبند!

مردم ما، شما را از دل و جان خویش دوست می دارند و به نام شما و خون های پاک شما افتخار می کنند...

این شما جوانان قهرمان اید که از کشور و آزادی و امنیت آن دفاع می کنید....

شما کشور را حفظ می کنید و از بحران ها نجات می دهید...

دیگران حافظ کشور من و تو نیست و توان امنیت و اداره را شما فرزاندان قهرمان این کشور دارید.

پس سلام بر تو ای قهرمان!

صلاح الدین ربانی به حیث رئیس شورای عالی صلح

نقش کلیدی برخی افراد جوان در تاریخ افغانستان و جهان

پوهنمل محمد نسیم فقیری

رئیس جمهور کشور پس از ماه ها مشوره با بزرگان و اعضای شورای عالی صلح، بالاخره تصمیم خود را مبنی به انتخاب صلاح الدین ربانی به حیث رئیس شورای عالی صلح (به روز شنبه ۲۶ حمل ۱۳۹۱) اعلام داشت. آقای صلاح الدین ربانی سفیر سابق جمهوری اسلامی افغانستان در انقره بود که به دنبال شهادت پروفیسور برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت، رئیس شورای عالی صلح و رهبر جمعیت اسلامی افغانستان، از سوی شورای رهبری جمعیت اسلامی و درپی مشوره با بزرگان جمعیت، به حیث سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان، تعیین گردیدند.

انتخاب صلاح الدین ربانی از جمع بزرگی از شخصیت های مهم کشور، بحث هایی را روی رسانه های جمعی شکل داد و بعضی بر این عقیده اند که یک شخصیت جوان نمی تواند مسؤولیت عظیم صلح و همزیستی را اداره و رهبری نماید.

اسلام، دین جوانان:

خداوند متعال به نقش مهم و کلیدی جوانان در قرآن کریم چند بار اشاره کرده است. در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام آمده که، او یک جوان بود و نمی خواست بت پرستی رایج شود، در مورد اصحاب کهف نیز موضوع جوان مطرح است و حتی فقط نام یک صحابی که به صورت واضح در قرآن ذکر شده، حضرت زید است که او هم یک جوان بود...

حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم، زمانی که یک لشکر را آماده کرد و حضرت اسامه را به حیث سر لشکر تعیین نمود، در حالی که او فقط هجده سال داشت... در زمان خلیفهٔ اول حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه که فرستادن لشکر به دلیل رحلت پیامبر به تعویق افتاده بود، او دوباره همان سر لشکر و فرمانده را تعیین کرد و حتی مسافتی در رکاب اسامه رفت تا به حیث مجاهد در راه خدا حساب شود... همان زمان نیز برخی از مردم تعجب می کردند که چرا یک جوان و حتی نوجوان به حیث فرمانده و سرلشکر تعیین شده است...

در مورد حضرت علی کرم الله وجهه، همگان اطلاع دارند که نو جوانی به اسلام آمد و چه شهکار های بزرگی را انجام داد... در حلقهٔ اول اطراف پیامبر، تعدادی از جوانان گرد آمده بودند و برخی از بزرگسالان نیز آن حضرت صلی الله علیه وسلم را همراهی می کردند. بحث در مورد جوانان و نقش آنان در صدر اسلام، در کتاب های تاریخ موجود است.

چند نمونهٔ در جهان:

در تاریخ دنیا نیز شخصیت های جوان را می بینیم که تا امروز نام شان در کتاب ها ثبت است و از کارنامه های آنان یادآوری می شود...

* اسکندر مقدونی نام معروف و مشهور، در جملهٔ جوانان است. او در هجده سالگی به درجهٔ سرلشکری رسید و در بیست و پنج سالگی پادشاه شد...

* ناپلیون بوناپارت که فاتح اروپا و انگلیس بود از شخصیت های جوان تاریخ است.

در افغانستان:

* سلطان محمود غزنوی فرمانروای معروف و فاتح برخی از هند، در بیست و نه سالگی به جای پدر نشست و با اجراآت و اقدامات بزرگ در تاریخ دنیا، افسانه شد؟

* مؤسس و بنیانگذار افغانستان امروز، احمد شاه بابا در بیست و شش سالگی و به روایت مشهور در لویه جرگهٔ مردم افغانستان به رهبر ی و قیادت کشور انتخاب شد.

* امان الله خان پادشاه معروف افغانستان در سی و دو سالگی اعلان پادشاهی کرد و در حالی که کاکای او نائب السلطنه بود... نمونه های زیادی در تاریخ جهان و افغانستان وجود دارد که افراد جوان چگونه به قدرت رسیده و مصدر چه کار ها و اجراآت بزرگ شده اند...

درین مختصر به چند نمونهٔ بالا، اکتفا شد و همه می دانیم که انتخاب یک شخصیت که آنهم در سن چهل سالگی، کدام امر غیر معمول نیست و در تاریخ جهان دارای سوابق بسیاری است که یک شخص دارای لیاقت، انتخاب مردم و یا جانشینی به این سمت دست یافته است.

انتخاب رئیس شورای عالی صلح، می تواند تصویری از تصمیم شورای رهبری جمعیت اسلامی افغانستان باشد که با درک شخصیت و رشد فکری، فرزند ارشد شهید استاد برهان الدین ربانی را به حیث سرپرست جمعیت اسلامی تعیین کرده و مورد قبول و پذیرش همگان قرار گرفته است....

یک خاطره در حذف تقاعد:

در مدت کوتاه یک سالهٔ خدمت در نصاب درسی ضمن بحث در جلسهٔ آمران دیپارتمنت ها، یک شخص بزرگ و مسؤول، با افتخار و مباهات یادآوری کرد که، نظام تقاعد را در معارف از بین برده است! او گفت که استادان با تجربه که ریش خود را سفید کرده اند، نباید به تقاعد سوق داده شوند و تا پایان عمر باید اجرای وظیفه نمایند...

من اجازه خواستم و گفتم که باید پوهنتون ها و دارالمعلمین ها را ببندیم زیرا همه ساله صدها جوان تحصیل کرده از این پوهنتون های و دارالمعلمین ها فارغ می گردد و در صورتی که تقاعد نباشد و همه به کار اشتغال داشته باشند، این جمع بی کار و بی روز گار را باید در کوچه ها و بدون وظیفه و مسؤولیت رها کرد و منتظر فاجعه بود، درست است که از افراد مهم و موسفیدان می توان پس از تقاعد به حیث مشاور در بخش های مختلف استفاده کرد ولی در هر صورت باید جا را برای جوانان خالی گذاشت و باید به توان و انرژی و ابتکار این نسل، بیشتر از هر موقع دیگر، احترام و عزت قایل شد.

روز مطبوعات را گرامی می داریم

ث - ثامر



در تقویم کشورما پنج ثور، به عنوان روز مطبوعات درج شده است، به یقین که رسانه ها را قوهٔ چهارم می خوانند، گردانندگان این قوه هرگاه درست و واقعبینانه عمل نماید، می تواند در انعکاس رویدادها و واقعیت های عینی جامعه نقش بسزایی داشته باشد. شاهد هستیم هرگاه رویداد و حادثهٔ به وقوع می پیوندد و از جانب یکی از قوه های سه گانهٔ کشور مطابق وظیفه، پیگیری و اجراآت می گردد تا هنگامی که این موضوع رسانه ای نشود و از طریق رسانه ها به اطلاع عموم نرسد، بجز همان محیط کاری، عامهٔ مردم در جریان قرار نمی گیرند. این رسانه هاست که در انعکاس رویدادها مردم را یاری می رساند.

در یک دههٔ اخیر (بعد از سقوط رژیم طالبان در عقرب ۱۳۸۰) رسانه ها در کشور از ناحیهٔ کمیت در تاریخ کشورما بی سابقه بوده است. ده ها شبکهٔ تلویزیونی و رادیو، صدها نشریهٔ چاپی، قوهٔ چهارم را پرقوت تر ساخته است، گرچه در کیفیت برخی این نشریه ها ضعف های وجود دارد.

گاهگاهی چالش های هم سر راه رسانه قامت بر می افرازد، گردانندگان رسانه ها از سوی آنانی که برنامهٔ نشر شده به افشاگری و ضرر شان تمام شود، تهدید می شوند، مورد ضرب و شتم قرار می گیرند، و در مواردی هم به از دست دادن جان شان تمام می شود.

گرچه در مادهٔ سی و چهارم قانون اساسی، صریحاً آمده است که، «آزادی بیان از تعرض مصئوون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیلهٔ گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارایهٔ قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد.» اما برخی رسانه ها به نبض زمان عمل می نمایند، که این عمل، خواهی نخواهی یک نوع خودسانوری را بالای گردانندگان ها حاکم می سازد.

از آنجایی که رسانه ها بهترین تریبون برای اشخاص، نهادها، احزاب سیاسی و دولت است، هر یکی به سهم خویش زمینه های رشد و باروری و حمایت شان در جهت بهتر شدن آن فراهم نمایند.

به بهانهٔ روز مطبوعات، خاطر نشان بسازیم که، جمعیت اسلامی، در دوران جهاد مردم مسلمان افغانستان تحت رهبری خردمندانهٔ استاد شهید پروفیسور برهان الدین ربانی، در پهلوی جهاد مسلحانه، به جهاد فرهنگی و تعلیمی نیز توجه زیادی مبذول داشتند، علاوه بر بخش های تعلیم و تربیه و تالیف و ترجمه، در امور فرهنگی و نشراتی نیز کمیتهٔ وجود داشت که بعدها به «انجمن نویسندگان و سخنوران» تغییر نام داد، در چارچوب آن، در مرکز (محیط هجرت - پشاور) و برخی کشورهای دیگر و جبهات داخل کشور، ده ها نشریه و مجله، به زبان های (دری، پشتو، عربی، انگلیسی، اردو و روسی) در عرصه های سیاست، فرهنگ، اجتماع و... و همچنان جهت پخش رویدادها و آگاهی دهی جهانیان از مبارزات برحق مردم افغانستان و جبهات داخل کشور، به نشر می رسید.

در دوران جهاد، نقش رسانه ها در جمعیت اسلامی خیلی برجسته بود. در این حزب، زمینهٔ بحث های آزاد و انتقاد در تمام رده ها وجود داشت، شعراء و نویسندگان جمعیت در ارائهٔ نظر خویش در نوشتار و گفتار از آزادی لازم بهره مند بودند که مروری بر نشرات جمعیت اسلامی در سال های جهاد، شاهد این مدعاست.

در حالی که روز مطبوعات را گرامی می داریم، از همه اهل قلم و گفتار می طلبیم تا آنچه می نویسند و می گویند برای وصل شدن و یکپارچگی ملت بزرگ افغانستان بگویند و بنویسند، زیرا ملت های یکپارچه و متحد اند که کشور را به سوی ترقی و تعالی رهنمون می سازند.

بهار سبز یا بهار ...

عبدالخالق آقسای، فرمانده پولیس فاریاب، یازده نفر در این حمله کشته شده اند. آقای آقسای گفته است که، در میان کشته شدگان حداقل چهار شهروند خارجی، یک مترجم افغان، دو مامور پولیس و چهار غیرنظامی شامل هستند. فرمانده پلیس فاریاب گفته است که بیش از بیست نفر دیگر در این حمله زخمی شده و به بیمارستان منتقل شده اند. در همین حال بر اثر یک حملهٔ انتحاری در ولایت کنر در شرق افغانستان، محمد هاشم منیب رئیس شورای صلح این ولایت همراه با پسرش کشته و یکی از محافظانش زخمی شد. محمد هاشم منیب در مسیر بازگشت از مسجد به خانه‌اش هدف حمله مهاجم انتحاری قرار گرفت.

آقای منیب از فرماندهان جهادی سابق وابسته به حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار و از بزرگان قومی در ولایت کنر بود. طبق یک خبر دیگر، روز سه شنبه تاریخ ۲۹ حمل سید کمال عضو شورای انکشافی و یکتن از سران جهادی آن ولایت نیز از سوی افراد مسلح ترور شد.

روند ترور و کشتار مردم از مدت هاست که توسط گروه های مسلح مخالف دولت ادامه دارد. در برخی از موارد مسؤولیت این همه کشتار ها را گروه طالبان به عهده گرفتند. این در حالیست که از یک سال بدینسو دولت افغانستان تلاش دارد تا مخالفان مسلح را به پای میز مذاکره بکشاند. این درحالسیت که پیوسته این گروه ها مذاکره را با دولت افغانستان رد نمودند و تنها روی برخی از مسایل از جمله رهایی اسیران شان از زندان گوانتانامو و داشتن دفتر در قطر باجانب امریکایی ها گفتگو کرده اند.

در عین حال دولت افغانستان در چارچوب شورای عالی صلح تلاش دارد که برای گفتگو با گروه طالبان و دیگر گروه های شورشی زمینه‌سازی کند. از سوی دیگر ترور اعضای شورای عالی صلح از اهداف گروه طالبان به شمار می‌روند. سال گذشته در ۲۹ سنبله پروفیسور برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت و رئیس شورای عالی صلح را حمله کنندهٔ انتحاری که ظاهراً خود را نمایندهٔ شورای کویته معرفی نموده بود، به شهادت رساند.

در آستانهٔ افزایش خشونت ها انتقال مسؤولیت های امنیتی، به نیروهای داخلی، امضای پیمان راهبردی با امریکا، خروج نیروهای خارجی در سال ۲۰۱۴ و انتخابات ریاست جمهوری از موضوعاتی اند که هرنوع نوسانات در روند جنگ و صلح به شاخص های فوق بستگی دارد.

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدفه ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ چهارم ۲ ثور ۱۳۹۱ ۲۹ جمادی الاول ۱۴۳۳ - 21 April 2012



بلند منزلها مایهٔ نگرانی برای مردم!

فیض

انفجار، حملات انتحاری و نبود امنیت پدیدهٔ است که شهروندان مرکز و برخی ولایات را به چالش کشیده و موجب نگرانی شان گردیده است. خصوصاً با استفاده از بلند منزل ها، مراکز مهم و تأسیسات دولتی و خارجی را تهدید می نمایند.

روز یکشنبهٔ هفتهٔ گذشته (۲۷ حمل) بازهم حملات انتحاری و انفجاری در کابل پایتخت کشور و برخی ولایات تقریباً همزمان دست به عملیات زدند این عملیات ها را هم که می توان زنجیره ای نامید، با استفاده از بلند منزل های نیمه کاره در ساحات شیرپور، پکتیاکوت و نزدیک شورای ملی در کابل تروریستان توانستند ساحات نزدیک به آن ساختمان ها را زیر آتش سلاح ثقیل و خفیف قرار دهند و یا خود را انفجار دهند. این حالت حدود بیست ساعت ادامه داشت. در همین روز در ولایات لوگر، ننگرهار و پکتیا نیز حملات انتحاری به وقوع پیوست. حامد کرزی رئیس جمهور عملیات اخیر را ناکامی استخباراتی برای حکومت افغانستان و همچنان ناکامی برای ناتو خوانده است. بنا به گفتهٔ وزارت امور داخله که بعد از ختم عملیات به رسانه ها گفته است، در جریان درگیری میان نیروهای امنیتی افغان و افراد مسلح درکابل و سه ولایت دیگر افغانستان، به شمول افراد مسلح ۵۱ تن کشته و ۷۴ تن دیگر جراحت برداشته اند. در بین این کشته شده گان ۳۶ تن آن افراد مسلح، ۸ تن از نیرو های امنیتی افغان و سه تن ملکی شامل اند.

سال گذشته هم (۲۲ سنبلهٔ ۱۳۹۰) تروریستان وارد تعمیر بلند منزل نیمه کاره واقع چهارراهی عبدالحق شهید شدند و نیمهٔ آن روز را با شب و فردای آن تا حدود ساعت ۹ پیش از ظهر درگیری میان شورشیان و نیروهای امنیتی ادامه داشت، با فیر و پرتاب سلاح ثقیل و حفیف خصوصاً به سوی سفارت امریکا و وزیر اکبرخان، تعدادی از هموطنان بی گناه را شهید و زخمی و باشندگان پایتخت را به وحشت انداختند.

پیش از این، تروریستان با استفاده از فروشگاه بزرگ افغان، هوتل کانتیننتال، علاوه بر وارد کردن خسارات، مردم کابل را به رعب انداختند. مکان های بلند و بلند منزل ها از همه بیشتر مناطقی اند آسیب پذیر، که در این اواخر دیده شده، تروریستان چنین جای ها را برای حملات شان انتخاب و سنگر می گیرند و تا دم مرگ ساحات تیر رس شان را هدف قرار می دهند. بر نیروهای امنیتی و دفاعی کشور است تا امنیت تعمیرهای بلند را در شهرهای بزرگ کشور به خصوص شهر کابل بگیرند که در صورت غفلت، عواقب ناگوار آن صدمهٔ کلانی است بر نیروهای امنیتی و شهروندان شهر کابل. گرچه وزیر امور داخله بعد از عملیات اخیر، وعده داده است تا تصمیمی در بارهٔ بلند منزل ها و تکیتیک های جدید تروریستان می گیرد.

آنچه مایهٔ نگرانی مردم است اینکه، با این همه نیروهای داخلی و خارجی، تروریستان چگونه می توانند با این همه سلاح و مهماتی که حدود یک شبانه روز بجنگند، داخل پایتخت می شوند و عملیات می نماید و حاکمیت و امنیت را زیر سوال می برند؟ مردم از این همه نکوهش کردن و به شدت تقبیح نمودن ها خسته شده اند، از دولت افغانستان مبارزهٔ قاطعانه و دفاع از حریم کشور و دفاع از مردم را می طلبند. باید به حال این ملت بیچاره رحم کرد و چاره اندیشید.

هرگاه وضعیت بدین منوال ادامه یابد، بالای مردم در همه عرصه ها اثر منفی بجا خواهد گذاشت و وضعیت دولتی را که دوسال بعد می خواهد مسوولیت امنیتی سراسری را در کشور به عهده گیرد و نیروهای خارجی کشور را ترک نماید، به چالش خواهد کشید.

در صورت عبور موفقانهٔ خط لولهٔ گاز، افغانستان دارای عواید کلانی خواهد شد

مصباح شعیب

نمایندگان حکومت افغانستان، پاکستان و هندوستان طی نشستی روز سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته در اسلام آباد، حق العبور و یا فیس ترانزیت خط گاز ترکمنستان را که از طریق خاک افغانستان به کشورهای پاکستان و هندوستان امتداد می یابد، در پرنسیب روی آن موافقه نمودند.

این نشست به تعقیب سفر وحید الله شهرانی وزیر معادن کشور به عشق آباد و پس از ملاقات های رئیس جمهور و مقامات عالی رتبهٔ کشور ترکمنستان روی توافقات و پیشنهادات حکومت افغانستان در اسلام آباد صورت گرفت. به این اساس با درنظرداشت قیمت جهانی گاز که شهروندان کشور ما از ناحیهٔ بلند بودن قیمت گاز به مکشل مواجه شده بودند، و با آغاز پروسهٔ انتقال گاز از این خط در حد اعظمی آن سالانه حدود چهارصد میلیون دالر شامل عواید دولت می گردد.

قرار است در ماه جوزا سال روان مطابق ۲۴ می، نشست چهارجانبه بین الحکومتی میان وزرای معادن، نفت و گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هندوستان با اشتراک مسوولین بانک توسعه و انکشاف آسیایی در عشق آباد دایر و بر علاوهٔ امضاء توافقنامه، قیمت خرید و فروش گاز، تمام اسناد و جزئیات پروژهٔ تائیپی نهایی و



موافقتنامهٔ فیس ترانزیت نیز به امضاء برسد که از بابت فیس ترانزیت در ۳۰ سال آینده و به اساس موافقتنامهٔ مذکور میلیارد ها دالر شامل عواید دولت افغانستان می گردد.

موافقتنامهٔ بین الحکومتی و پیمان بین الدولتی انتقال خط گاز ترکمنستان از طریق خاک افغانستان به پاکستان و هندوستان در ماه قوس سال ۱۳۸۹ به منظور تطبیق، توسط وزرای معادن و نفت گاز چهارکشور غرض دریافت حمایت سیاسی توسط روسای جمهور ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و وزیر نفت و گاز و منابع طبیعی هندوستان به امضاء رسید.

درست است که عبور این خط لولهٔ گاز از طریق کشورما به کشورهای هند و پاکستان، عوایدی بلندی را شامل دارایی این کشور می نماید، که مایهٔ خشنودی است. اما آنچه مایهٔ نگرانی و سد راه این پروسه خواهد شد که امیدواریم نشود، وضعیت امنیتی در کشور است که سبب به چالش کشیدن بسیاری از برنامه ها شده و خواهد شد.

په پاکستان کې هم له زندان څخه د زندانیانو د تیښتې یوه نوې بېلګه

شفیق

زندانونه په یو هیواد کې د بېلا بېل ډول مجرمینو او یا سیاسي مخالفینو د ساتلو لپاره هغه خوندي ځایونه اوسي چې امنیتي ارګانونه یې کلکه ساتنه کوي خو د سیمې په دوارو هیوادونو (افغانستان او پاکستان) کې د زندانونو خوندیتوب د ترهګرۍ؟ پر خلاف د پیل شوې رواني جګړې په موده کې له مینځه تللی دی؛ په وروستیو څو کلونو کې زمونږ په هیواد کې د هیواد له ځینو زندانونو څخه څو خلې زندانیان په تیښته بریالی شوي دي چې پدې لړ کې نږدې دوه کلونه وړاندې د کندهار له عمومي زندان څخه د یو سوري په کنلو سره په سلګونو د دولت مخالفین زندانیان له دغه زندان څخه په وتلو بریالي شوي وو او دې ته ورته پیښې ځینې وختونه د هرات او هم د شمال په زندانونو کې مینځته راغلی وې خو په ګاونډي پاکستان کې کله داسې پیښه نه وه شوې چې د سلګونو په شمیر زندانیان دې له زندان څخه وتښتي. تیره اونۍ د پاکستان د پښتونخوا په ایالت کې د بنون له زندان څخه څلورسوه دري اتیازندانیان هغه مهال له زندان څخه په وتلو بریالي شو چې په سلګونو پلویانو یې دزندان له ساتونکو او امنیتي مسوولینو څخه وسلې واخیستې او په زوریې ددولت مخالفین زندانیان له زندان څخه راوویستل چې پکې د پاکستان د پخواني پوځي ولسمشر پرویز مشرف د وژلو توطیه جوړونکي یو کس هم شامل وو.

که څه هم د زندان څخه دوتلو او تښتو دا ډول پیښې د نړۍ په نورو هیوادنو کې هم کله کله رامینځته کیږي خو په هغو کې دزور په ځای نورې وسیلې کارول کیږي لکه پخپله دزنداني چالاکي او له بدني غښتلتیا څخه په ګټه پورته کولو سره دساتونکي غافل ساتل او بې وسلې کول او داسې نور. خو د پاکستان له زندان څخه ددومره غټې شمېرې زندانیانو تیښتې او د خلاصون لپاره یې د سلګونو په شمیر کې د پلویانو تحرك یوه نوې او حیرانوونکې پیښه وه؛ ځکه دغه هیواد چې تل د خپلو امنیتي او کشفي ارګانونو په پیاوړتیا فخر کوي، څنګه کیدای شي چې دومره غټه پیښه رامینځته کیږي او دوی دې ورڅخه غافل او یا په وړاندې یې ناتوانه پاتې شي.

له دې پیښې څخه معلومیږي چې د پاکستان واکمن رژیم له خپلو مرکزي ښارونو پرته نور په لیرې ښارونو او سیمو کې حاکمیت له لاسه ورکړی دی او د واکمنانو پر خلاف یې د ولس کرکه او نا خوښي ډیره زیاته شوې ده. او یا یې په زندانونو کې د زندانیانو سره ترسره کیدونکی چلند نهایت سخت شوی چې د ولس او زندانیانو تر مینځه د اړیکو د پیدا کولو لامل ګرځي او بیا په ډیره ګڼه شمیره کې ولسي وګړي د زندانیانو د خلاصون لپاره په داسې یو عمل لاس پورې کوي چې د ولسي پاڅون په لورې د حرکت بوې ورڅخه راځي.

که چیرې د هیواد زندانونو ته هم نظر واچولی شي نو دلته هم کله نا کله په زندانونو کې داسې پیښې رامینځته کیږي چې د زندانیانو سره په سخت چلند دلالت کوي او یا د هغوی دوسیو ته له مودو راهیسې نه رسیدنه هغه لامل دی چې په نتیجه کې یې کله کله زندانیان په غذایي اعتصاب لاس پورې کوي؛ لکه چې څه موده وړاندې دغه کړنه د څرخي پله په زندان کې د یو شمیر زندانیانو لخوا د یوې اونۍ راهیسې د خپلو خولو په ګنډلو سره ترسره شوی وه او بیا رسنیو ورڅخه پرده پورته کړه. دا پداسې حال کې ده چې د افغانستان دولت د بګرام د زندان هم په خپل واك کې د اخیستلو لپاره د امریکایي مقاماتو سره په مذاکره بوخت دی او پدې هکله موافقې ته هم دواړه لورې نږدې رسیدلي دي.

د بشري حقونو رعایت د هر دولت مسوولیت دی چې باید د زندانیانو په برخه کې هم مراعات شي او بیا په ځانګړې توګه په هغسې شرایطو کې چې نړیوال او د بشر د حقونو اداري د افغانستان دولت په زندانونو کې د بندیانو سره په ناسمه رویه او شکنجه کولو هم تورنوي؛ هغه کار چې د کمونستي رژیم په دوره کې د هیواد په زندانونو کې د ډیرې بې بریدې بې رحمۍ سره د وخت د چارواکو لخوا ترسره کیده او بیا د نورو لاملونو سره یوځای د وخت د مستبد رژیم پر خلاف دولس د پراخه پرګنو د بغاوت، ملي پاڅون او جهاد لامل وګرځیده.

دا چې د تجاربو څخه عبرت اخستنه د هر عاقل وګړي او با بصیرته چارواکو ځانګړنه باید اوسي، نو باید د افغانستان دولت هم د زندانونو وضعیت وخت پر وخت د څارنې لاندې ونیسي او د بې مورده شکنجو او بې ځایه سختیو په کولو سره داسې شرایط برابر نکړي لکه چې لامله یې د پاکستان په زندان کې کومه پیښه رامینځته شوه او هم د زندانونو د مسوولینو په ټاکنه کې بصیرت لرونکي او دین، هیواد او ولس ته ژمن خلك په دندو وګماري څو د هغوی په مثبت چلند سره په زندانونو کې د مجرمینو د ساتلو بنیادي هدف چې له عبرت څخه عبارت دی، حاصل شي او هم په کشفي ارګانونو کې داسې خلك په دندو وګمارل شي چې د پردیو سره د اړیکو نه لرونکي او خپلې خاورې، دین او ولس ته متعهد اوسي څو د نورو په اشاره مظلوم او بې ګناه وګړي بیځایه تورن یا مجرم ونه ګرځوي چې بیا ورسره د انتقام روحیه یې نورو داسې کړنو ته اړ باسي چې په هکله یې زندان د عبرت اخستلو د یو مکان پر ځای جرمونو ته د هڅونې تربیت ځای وګرځي. هغه څه چې د افغانستان لیرې او نږدې دښمنان یې د پیداکولو تابیا لري او نه غواړي چې د افغانانو په ټاټوبي کې آرامي او سوله رامینځته شي او تل ددې په هڅه کې دي چې څنګه وکولای شي د سیمې د امنیت په خرابولو او نا آرامه ساتلو سره اوبه خړې کړي او دوې پکې خپل کبان ونیسي.